

# این روزها با همگان یا بی همگان؟

سمیه نجفی خاتونی  
گفت و گو

مجموعه تلو بزبونی «بی همگان» کاری از گروه فیلم و سریال سه سیماست که این شبها از شبکه سه به روی آنتن می‌رود. از همان ابتدا که چشم‌مان به عوامل تولیدی این سریال می‌خورد، متوجه می‌شویم؛ با یک اثر بر مخاطب دیگر روبرو هستیم، تهیه‌کننده این مجموعه مه‌ران مهمان است که او را با سریال‌های چون «خانه پدری»، «در دسرهای عظیم او»، «متهم گریخت»، «خانه به‌دوش»، «ترش و شیرین» و... می‌شناسیم. نویسندگی این مجموعه را علیرضا کاظمی پور و سعید جلالی به عهده دارند؛ کاظمی پور از کاربلدترین نویسندگان سیما است، که با مجموعه‌هایی چون «میوه ممنوعه»، «مسافری از هند»، «آوای باران»، «گمگشته» و «عشقانه» بیش از این مورد توجه قرار گرفتند و موفق به کسب جایزه‌های مختلف، در بخش تلو بزبونی شدند. کارگردانان این مجموعه نیز به رنگ توفیقی و اصغر هاشمی هستند، که توفیقی سریال‌هایی چون «افرا» و «آقازاده» و اصغر هاشمی سریال‌هایی چون «آ بار تمان»، «یک مشت بر عقاب» و بخش آغازین سریال «ستایش» را در کارنامه خود دارند. از بازیگران این سریال نیز می‌توان به مهدی سلطانی، محمد صادقی، میترافعی، سپند امیر سلیمانی، زهره فکور صبور، کاظم هژبر آزاد، سمیرا احسن پور، مهدی ملاحانی و... اشاره کرد. کاظم هژبر آزاد از بازیگران ماندگار ایران است که در ۱۲۵ اثر سینمایی، مجموعه تلو بزبونی و نمایش صحنه‌ای به ابقای نقش پرداخته است. گفتگوی خبرنگار صبا؛ با او حسی بر از زیبایی و به دلنشینی یک جای گرم، بعد از کاری سخت در یک نیمروز بایستی را داشت.

## کاظم هژبر آزاد:

### از درگیری و نزاع، اتفاق خوبی بیرون نمی‌آید

در این سریال نقش یک دبیر بازنشسته مظلوم را ایفا می‌کنم که مانند تمام فرهنگیان دلسوز این سرزمین، حقوق بازنشستگی‌اش کفاف زندگی‌اش را نمی‌دهد. حساسیت شغل قاسم از همان ابتدا برای من دارای جایگاه ویژه‌ای بود، چرا که او در طول زندگی کاری و اجتماعی خود با حس مسئولیت سنگین تربیت بچه‌ها مواجه بوده است، او که همه را به عدالت، به دوستی و همدلی و وفای دعوت می‌کرده، حالا با پسر خود امیر علی، که شخصی بسیار موفق در تحصیلات است، به چالش کشیده می‌شود و در دام یکسری اتفاقات عجیب، زندگی خانوادگی‌اش زیر و رو شده، و با انسان‌هایی که محصول جامعه‌ای پر از شکاف و تضاد اقتصادی هستند، روبرو می‌شوید، جامعه‌ای که برای زنده ماندن و زندگی کردن، ناچار به لخت کردن یکدیگر هستند. مانند اصنان که برای امرار معاش خود مجبور به عمل خلاف و قاچاق می‌شود تا بتواند زندگی بهتری برای خود و فرزندانش درست کند، و از آن طرف مریم، مادری بسا بچه‌مریض ناگریز به زندگی با اصنان است، درحالی که می‌داند، همسرش خرج زندگی آنها را از راه قاچاق در می‌آورد، اما به خاطر فرزندانش و شرایط سختی که دارد، نمی‌تواند کاری از پیش ببرد و مجبور به تحمل این اوضاع می‌شود، شکاف‌های عمیق اقتصادی در شخصیت مریم به شکل یک تعارض و جنگ درونی نمود پیدا می‌کند و اینجامتوجه می‌شویم که نیاز آدم‌ها را مجبور به تحمل شاید روزگار می‌کند.

**با این وصف می‌توان گفت؛ نویسنده در خلق شخصیت، از درونی‌ترین لایه شخصیت، که کنشکش شخص با خود است آغاز می‌کند، و بعد آن را در بیرونی‌ترین لایه، یعنی شخص با اجتماع بسط می‌دهد.**

بله، به‌طور مثال در خط داستانی پسر من (امیر علی)، ما جوانی رامی‌بینیم که پس از آزادی از زندان به دنبال جبران سال‌های از دست رفته، دچار لغزش‌های زیادی می‌شود که هر بار، او را با مصائبی مهلک‌تر از قبل روبرو می‌کند و خشمی که از غرور بیش از حد امیر علی ناشی شده، او را گرفتار می‌کند و در ادامه، باعث درگیری او با اصنان می‌شود. خون ریخته شده اصنان، او را به زندان برمی‌گرداند و وضعیت او را حتی از ابتدا سخت‌تر می‌کند. در صورتی که اگر امیر علی، پس از آزادی از زندان اتفاقات گذشته را کنکاش نمی‌کرد و به دنبال طبیعت زندگی خود می‌رفت، دچار

حوادثی از این دست نمی‌شد، چه بسا ممکن بود به مرور زمان به جای برسد که همان‌هایی که در حق او ناروایی کرده بودند به جایگاه او غلبه می‌خورند، و بر آنها مسلط می‌شد که مسیر امیر علی، احیای زندگی پیش‌رو است و نه کنکاش گذشته‌های دردناک، که برای او جز ناکامی به بار نیاورد است. شاید امیر علی باید در معرض آزمایش‌های بیشتری قرار بگیرد تا مانند پدرش بفهمد که کینه و خشم، محصولی جز سیاهی بیشتر ندارد، جوانان نمی‌دانند که از درگیری و نزاع، هیچ اتفاق خوبی بیرون نمی‌آید و حتی ممکن است شخص را دچار ضررهای بیش از پیش کند.

**از ویژگی‌های بارز در نقش بردازی شما بازی‌های ریز چشمی و حسی و حرکتی است که در باور پذیر کردن نقش بسیار موثر است. روش شما برای رسیدن به این مهارت در بازی چیست؟**

ممنون از شما، من کار خاصی نکردم، من همان پدر مظلومی

هستم که نمی‌داند که چه باید بکند و نمی‌داند راه درست کدام است. او پدری است که برای درک پسر جوانش به گذشته خود رجوع می‌کند، چرا که خودش هم در جوانی لُستباه کرده است، درک و احساس این پدر ریشه در تحصیلات او در رشته ادبیات دارد، که به او کمک کرده در اتفاقات تأمل بیشتری داشته باشد و احساس فرزند خود را درک کند. او هم‌زمان متوجه تضادهای اقتصادی و مسائل اجتماعی، و مولفنی است که جوانان با آن هر روزه دست و پنجه نرم می‌کنند و با خود می‌گویند اگر من به پسرم در این شرایط فشار بیاورم، ممکن است از کوره در برود. او می‌داند که تنها پناهگاه سالم و ایمن برای یک جوان ایرانی، خانواده‌اش است پس سعی می‌کند تنها پناه و سنگر پسر خود را حمایتی همیشگی حفظ کند.

**با این اوصاف می‌توان فهمید که رمز موفقیت شما در روبرویی با نقش این است که، آن را زندگی می‌کنید، که**